

عرفان از دیدگاه حضرت امام خمینی



امام‌علی مومنی / کارشناس ارشد
رشته فلسفه و کلام

مقدمه

برترین زمینه پرواز انسان‌ها به عالم ملکوت و مهم‌ترین سبب گرفتار نشدن آدمی به ندامت و خسران، وجود عشق و عرفان است. کسانی که از این عیار الهی در زندگی روزمره خود فاصله گرفته‌اند، گرفتار انواع بیماری‌های روحی و اضطراب‌ها و ناامیدی‌های درونی می‌شوند و سرانجام نیز دچار خسران خواهند شد. عشق و عرفان زمینه‌ساز انجام عبادت‌اند، و عبادت نیز، عامل وصال به حق و نوش داروی زندگی است. عرفان تجلی خداشناسی و خداگرایی است و عارف راستین، فرمان‌بردار و متعبد بی‌چون و چرای حضرت حق. بنابراین، عرفان وسیله‌ای در جهت تکمیل خودشناسی از طریق خداشناسی است و در راستای این شناخت، آشنایی با وظایف و شیوه‌های دستیابی به غایت آفرینش و مقام قرب الهی - که از آن به عنوان «سعادت» یاد می‌شود - لازم است.

امام خمینی رحمته الله علیه و حقیقت عرفان

دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه درباره حقیقت عرفان را با توجه به جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و دین‌شناسی آن حضرت، می‌توان به دست آورد. ایشان در باب انسان‌شناسی معتقدند:

الف جسم در خدمت روح

است و در پرتو آن کامل می‌گردد: «ان الجسد لایتم کماله الا بروحه الی تدبره تحفظه من الافات»^۱

ب طی مراحل معنوی، جز از راه عبودیت میسر نیست: «اعلم: ان العبد السالک الی الله بقدم العبودية اذا خرج من بیت الطبيعة مهاجرا الی الله ...»^۲

ج توان مشاهده امور

غیبی انسان به اندازه انسلاخ او از بدن است: «اعلم: ان المیزان فی مشاهدة الصور الغیبیة و هو الانسلاخ عن الطبیعة و الرجوع الی عالمها الغیبی و الانسلاخ قدیکون فی النوم»^۳

د مشاهدات انسان محدود به ماسوی الله است و ذات خدا «غیب‌الغیوب» و هرگز نمی‌توان به مشاهده آن پرداخت و آنچه از او مشاهده می‌شود، جز اسماء - یعنی نشانه‌های وجود او - نیست: «واما الذات من حیث هی فلا یتجلی فی مرآة من المرانی و لا یشاهدها سالک من اهل الله ولا مشاهد من اصحاب القلوب و الاولیاء، فهی غیب»^۴

مراد از سخن امام صادق علیه السلام که فرمود: «ما رأیت شیئا الا و رأیت الله قلبه»^۵ جز دیدن اسماء الهی نیست^۶ و آدمی از راه معرفت‌های نفسانی، جز به مشاهده حقیقت نفس خویش نایل نمی‌آید: «شهودنا للحق، شهود انفسنا»^۷

«فلا یدرک الحق، مثل ادراک نفسه»^۸ و انسان کامل که مرآت شهود و حق است، جز ذات خویش را مشاهده نمی‌کند: «فالانسان الکامل کما انه مرآة شهود الحق ذاته ... مرآة شهود الاشیاء کلها»^۹

آری، کمالات نهفته در درون جان آدمی، در پرتو عبادت شکوفا می‌گردد؛ یعنی زمینه دستیابی به کمالات و طی مراحل معنوی و دستیابی به مقامات انسانی برتر توسط عبادت فراهم می‌آید. آدمی از راه عبادت، اوج می‌گیرد، تربیت می‌شود و نفس او مراحل معنوی را طی می‌کند و به کمالات دست می‌یابد.

آدمی از راه عبادت، اوج می‌گیرد، تربیت می‌شود و نفس او مراحل معنوی را طی می‌کند و به کمالات دست می‌یابد.

عرفان و برهان از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه

حقایق و اسرار نهفته در دل جهان را می‌توان از راه حس، تجربه، عقل و تفکر فلسفه، شهود عرفانی و وحی الهی شناسایی کرد. حس درباره برخی از حقایق محسوسات قابل استفاده است. تجربه و فلسفه در مدار بعضی دیگر از محسوسات، تفکر و فلسفه عقلی درباره بسیاری از حقایق محسوس و نامحسوس معقولات، شهود نفسانی و تجلیات عرفانی نیز در بسیاری از حقایق محسوس و معقول و وحی و تعالیم انبیاء نیز در مورد همه گونه محسوسات و معقولات، اسباب و عواملی هستند که از سوی پروردگار حکیم در اختیار

بشر قرار گرفته‌اند. توجه به این حقیقت ضروری است که این ابزار، شرایط و زمینه‌سازی‌های مخصوص به خود را دارند تا اهل آن بتوانند از این راه‌ها به کشف راز هستی و حقایق عالم ناآل آیند.^{۱۱}

براین اساس، تضادی میان این ابزار نیست، بلکه اشتراک وجود دارد.^{۱۱}

عبادت راز موفقیت سالک

هدف عرفان اسلامی، ارتقای درون و نیل به مقام قرب الهی است. در واقع، فلسفه و عرفان اسلامی، تجلی عبادت و غایت اصلی عبادت، نیل به مقامات معنوی و مقصد نهایی نیل به مقامات معنوی، دست‌یابی به مقام قرب است.^{۱۲}

تردید نیست که هدف اصلی آفرینش جهان، انجام عبادت الهی است که در پرتو آن، انسان به تکامل بایسته خویش دست یابد. امام خمینی ره در باب اهمیت عبادت و راز اصلی آفرینش، در وصیت‌نامه سیاسی الهی خود در بند ص می‌نویسد:

«در خاتمه این وصیت‌نامه به ملت شریف ایران وصیت می‌کنم که در جهان، حجم تحمل زحمات و رنج‌ها و فداکاری‌ها

و جان‌نثاری‌ها و محرومیت‌ها، مناسب حجم بزرگی مقصود و ارزشمندی و علو رتبه آن است. آن‌چه که شما ملت شریف و مجاهد برای آن به پا خاستید و دنبال می‌کنید و برای آن، جان و مال نثار کرده و می‌کنید، والاترین و بالاترین و ارزشمندترین مقصدی و مقصودی است که از صدر عالم در ازل و از پس این جهان تا ابد، عرضه شده است و خواهد شد و آن مکتب الوهیت به معنای وسیع آن و ایده توحید با ابعاد رفیع آن است که اساس خلقت و غایت آن در پهنای وجود و در درجات و مراتب غیب و شهود است و در مکتب محمدی صلی الله علیه و آله به تمام معنا، درجات و ابعاد آن متجلی شده و کوشش تمام انبیای عظام و اولیای معظم برای تحقق آن بوده و راه‌یابی به کمال مطلق و جلال و جمال بی‌نهایت جز با آن میسر نگردد. آن است که خاکیان را بر ملکوتیان و برتر از آنان شرافت داده و

آن‌چه برای خاکیان از سیر در آن حاصل می‌شود، برای هیچ موجودی در سراسر خلقت، در سر و علن، حاصل نشود.^{۱۳}

وی هم‌چنین خاطرنشان می‌سازد که راز موفقیت سالک الی الله یک چیز بیش نیست و آن، عبادت است که سالک به واسطه آن می‌تواند از بیت طبیعی به سوی عالم ملکوت عروج و مهاجرت کند.^{۱۴}

و عبادت برای همه عباد یک ضرورت است؛ زیرا همان‌گونه که بدن به آب، هوا و غذا نیازمند است، روح نیز به غذا احتیاج دارد و غذای روح، عبادت است و همان‌گونه که اثر غذا بر بدن، ادامه حیات و تأمین نشاط می‌باشد، اثر غذای روح نیز اوج و موج است.^{۱۵}

راه وصول به حقیقت

«الطریقة و الحقیقة لا یحصلان الا من طریق الشریعة؛ فان الظاهر طریق الباطن، بل یفهم منه [و لو أنهم أقاموا التوراة و الانجیل] ان الظاهر غیر منفک عن الباطن؛ فمن رأى ان الباطن لم یحصل له مع الاعمال الظاهرة و اتباع التکالیف الالهیة، فیلعلم انه لم یقم علی الظاهر علی ما هو علیه؛ طریقت و حقیقت جز راه شریعت حاصل نخواهد شد؛ زیرا ظاهر، طریق باطن است و در واقع، عبادتی که در ظاهر انجام می‌پذیرد، معمار باطن است؛ یعنی باطن را برای عروج مهیا می‌سازد. انفکاک و جدایی میان عبادت و تأثیر آن در نفس، محال است و اگر عبادتی صورت پذیرفت، ولی تأثیر معنوی و عرفانی آن مشاهده نگشت، بدون تردید آن عبادت، با توجه به همه ضوابط و شرایط لازم آن انجام نیافته است.^{۱۶}

توجه به این حقیقت ضروری است که هیچ طایفه و دسته‌ای، حتی لحظه‌ای از عبادت بی‌نیاز نخواهند بود.^{۱۷}

بر همین اساس است که برترین افتخار پیامبر صلی الله علیه و آله - آن واصل و راجع کامل - عبودیت و انجام عبادت است.^{۱۸}

به طور کلی، اساس تکامل معنوی و ارتقای باطنی، عبودیت و پیمودن مدارج کمال است، بنابراین، هر گاه لحظه‌ای این عامل فراموش شود، سقوط آن واصل

حتمی است: «فإن مقام العبد الکامل، هو التذلل بین یدی سیده.»^{۱۹}

پس سخن برخی از تصوف‌پیشگان که می‌گویند: «عبادت ظاهری، طریق است و هر گاه به مقصد رسیدی، واصل شدی و دیگر بدان ضرورتی نیست» بدون دلیل است.^{۲۰} ولطائفی بیش نیست: «و من اراد ان یصل الی الباطن من غیر طریق الظاهر، کبعض عوام الصوفیه، فهو علی غیر بنیة من ربه»^{۲۱}

«بیدان که هیچ راهی در معارف الهیه پیموده نمی‌شود، مگر آن که ابتدا کند انسان از ظاهر شریعت و تا انسان متأدب به آداب شریعت حقه نشود، هیچ یک از اخلاق حسنه از برای او به حقیقت پیدا نمی‌شود و ممکن نیست که نور معرفت الهی در قلب او جلوه کند و علم باطن و اسرار شریعت از برای او منکشف شود. پس از انکشاف حقیقت و بروز انوار معارف در قلب نیز متأدب به آداب ظاهر خواهد بود و از این جهت، دعوی بعضی باطل است که «به ترک ظاهر، علم باطن پیدا شود» یا «پس از پیدایش آن به آداب ظاهر احتیاج نباشد» و این از جهل‌گوینده نسبت به مقامات عبادت و مدارج انسانیت است.^{۲۲}

آری، بدون عبادت ظاهری نمی‌توان در هیچ مقامی پایدار ماند، چنان که نمی‌توان به هیچ مقامی دست یافت، حتی مقام رسالت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله نیز منوط به عبادت ظاهری و عبودیت است.^{۲۳}

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس، ص ۶۱.
- ۲- همان، ص ۳۹. ۳- همان، ص ۳۶. ۴- همان، ص ۱۴.
- ۵- علم‌الیقین، ج ۱، ص ۴۹.
- ۶- تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس، ص ۲۵۷.
- ۷- همان، ص ۶۵. ۸- همان، ص ۷۰. ۹- همان، ص ۵۹.
- ۱۰- مجموعه آثار، امام خمینی ره و اندیشه‌های اخلاقی و عرفانی، ج ۷، ص ۲۷۸. ۱۱- همان. ۱۲- همان، ص ۲۸۰.
- ۱۳- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۴۹.
- ۱۴- تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس، ص ۳۹.
- ۱۵- رک: آداب الصلاة، ص ۲۰.
- ۱۶- تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس، ص ۲۰۱.
- ۱۷- سر الصلاة، ص ۱۱ و ۸۳.
- ۱۸- رک: تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس، ص ۲۰۱.
- ۱۹- همان، ص ۱۷۹. ۲۰- رک: همان، ص ۲۰۱. ۲۱- همان.
- ۲۲- شرح چهل حدیث، ص ۸. ۲۳- آداب الصلاة، ص ۱۰ و ۹.